

ترکیه، خیز آینده از کودتای امروز

صادق پیوسته

کودتای نافرجام ترکیه تقریباً همه را غافلگیر کرد. سخن اصلی ما در مورد یکی از پیامدهای عمده‌ی این کودتا است که از نوع کنترل همین غافلگیری و شکل فرونشاندن کودتا بر می‌خیزد اما لازم است پیش از آن، به نکاتی مهم اشاره کنیم. در موضع‌گیری‌های لرزان و چندگانه‌ی اغلب کشورها از آغاز کودتا تا کنون، می‌توان غافلگیری را نشان داد گرچه همه سعی کرده‌اند با توجه‌های مختلف، موضع خود را مشخص و ثابت نشان دهند. این غافلگیری و لرزانی نه تنها از کمبود برخی اطلاعات ضروری و پشت‌پرده بلکه از بحران اطلاعات بود یعنی میزان دانسته‌های تحلیلگران سیاسی رسمی و غیررسمی، بیش از حد و حاوی نشانه‌های متضاد بود. حرکت‌های دولت ترکیه و کودتاگران از سویی و آشکار نبودن حمایت از کودتاگران از سوی دیگر به این وضعیت دامن زد به طوری که در کمتر از یک روز پس از آغاز و شکست زود هنگام کودتا، تقریباً همه از آن اعلام براءت کردند و احزاب مخالف نیز در کنار اردوغان ایستادند و کار به جایی رسید که بسیاری از تحلیل‌ها، از کودتای ساختگی اردوغان علیه خودش سخن گفتند.

تناقض‌های بسیاری در این دسته از تحلیل‌ها وجود داشت به‌ویژه این که پیش‌فرض آن‌ها، لغزان بودن پایگاه اجتماعی اردوغان و سعی در ترمیم این پایگاه با حرکتی شبه‌فاشیستی یا حداقل، کودتایی واقعی به دنبال کودتای ساختگی بود تا با دستگیری مخالفان و یکدست‌سازی حکومت توسط اردوغان، این پایگاه لغزان، به قدرتی باثبات و ایجاد وحدت ملی متکی بر جو کنترل بحران تبدیل شود. این پیش‌فرض دست‌کم از آن جهت تناقض‌آمیز بود که در نظر نمی‌گرفت که در صورت پیش‌فرض گرفتن لغزانی پایگاه اجتماعی، چگونه ممکن است چنین قمار نزدیک به باختی توسط اردوغان صورت گیرد به ویژه با وجود ارتش و نیروهای سیاسی‌بی که بنا به همین پیش‌فرض، ناراضی و مترصد فرصت بودند. در زمان کودتا و پس از آن نیز حمایت گروه‌های موافق و مخالف وی و بخش‌های مختلف ارتش، در عمل، این پیش‌فرض را نادرست نشان داد. در اینجا، قصد ورود به تحلیل اجتماعی و سیاسی کودتا را نه در ریشه‌ها و نه فرایند، نداریم چرا که برای این کار، مباحث مقدماتی مختلفی برای واگشایی پیچیدگی نیروهای اجتماعی ترکیه و ساختار فرصتی که در این کودتا محتمل بوده است، نیاز است و سخن اصلی ما، چیز دیگری است.

در ضمن، نمی‌خواهیم ادعاهای دولت ترکیه در مورد گولنیستی بودن این کودتا را هم تأیید کنیم زیرا ورود هواداران پرتعداد جنبش نور نو که شخصیت روحانی گولن را نماد این جنبش می‌دانند و ورود جدی گولن، ممکن نبود چنین بی‌رمق باشد. البته کودتای نافرجام چنین است و اگر قرار بود همه چیز در همه‌ی کودتاها طبق برنامه پیش برود، هیچگاه کودتایی نافرجام نمی‌شد. با این حال اگر به گذشته بازگردیم، جنبش نو و نور نو یعنی همان اسلام‌گرایی لیبرال و بازاری از بُعد اقتصادی و عرفانی از بُعد دینی و محافظه‌کار از نظر سیاسی، توانست در چندین دهه، قدرت سکولارهای میراث‌دار آتاتورک در سیاست و ارتش ترکیه را به صورت خرنده کنار بزند. کودتاهای ارتش که هر یکی دو دهه یک‌بار تکرار می‌شد، رفته رفته ضعیف‌تر شد تا با تصفیه‌های ابتدای سده‌ی جاری در ارتش، تکرار آن‌ها به شدت دشوار گردید و در مورد اخیر نیز ناکام ماند. بدون تردید، همراهی اسلام بازاری ترکیه با جریان جهانی نولیبرال، در کنار گذاشتن ارتش و لائیک‌های ملی‌گرای ترکیه تأثیر داشته است. این جنبش اسلام‌گرا، با وجود ریشه‌گیری نخستین در اخوان المسلمین، از آغاز بدون موضع منفی نسبت به غرب و خواستار جذب ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا بوده است.

غرب‌دوستی اسلام‌گرایی ترکیه کم کم با ادعاهای امپراتوری عثمانی اردوغان و داوود اوغلو، در تضاد قرار گرفت و گولن از جمله به همین دلیل، با اردوغان زاویه پیدا کرد و سپس، با اتهامات مالی گولن علیه اردوغان و فاسد خواندن وی تشدید شد. او معتقد بود اردوغان با گروه‌های تکفیری نیز در ارتباط است و هر گونه ارتباط با این گروه‌ها، اسلام بازاری و مسالمت‌جوی جنبش نور را که همه‌ی اسلام‌گرایان از جمله اردوغان از آن بیرون آمده‌اند، تهدید می‌کند. از ابتدای سده‌ی جاری، اتفاق مهم و تناقض‌آمیز دیگر، نزدیک شدن گولن به نئوکان‌های امریکایی بود و از سوی دیگر، توصیه‌ی وی به هوادارانش که با نفوذ در تمام ارکان دولت و ارتش، آماده‌ی تحول آرام ترکیه و پیروزی در انتخابات باشند. طرحی که پس از بدبین شدن فرزند اسلام‌گرایی علیه پدر فعلی آن، به کلی در معرض نابودی قرار گرفت چرا که اردوغان به تصفیه‌ی گاه و بی‌گاه گولنی‌ها پرداخت. با این حال باید در نظر داشت که جنبش گولن با نام خزمت (خدمت) و تئوری اسلام مسالمت‌آمیز و عرفانی و نیز کسب‌وکار محور آناتولیایی، همچون وارث اندیشه‌های سعید نورسی، برپایه‌ی آموزش بورسیه و

باکیفیت، از دهه‌ی ۱۹۷۰ تا کنون ۳۰۰ مدرسه در ترکیه و بیش از ۱۰۰۰ مدرسه در جهان و بیش دو میلیون دانش‌آموخته دارد پس حذف آن دشوار است.

اکنون و با مرور سریع و البته سطحی انجام‌شده، بازگردیم به آنچه اردوغان پس از کودتا به انجام رسانید. کودتا با هر نگاهی که به آن بنگریم، سبب آشفتگی امور و سردرگمی مردم شد. به دلیل ترس اردوغان از کودتای مجدد (مانند آنچه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران پس از شکست کودتای ۲۵ مرداد رخ داد)، حکومت نظامی برقرار شد. وضعیت فوق‌العاده در کشور ترکیه که اقتصادی مبتنی بر گردشگری دارد، می‌توانست سمی کشنده باشد. اما چنین نشد. پیامد کودتا برای ترکیه، سقوط معنادار ارزش پول، بحران اقتصادی، ناامنی روانی، کشمکش درازمدت، تعطیلی صنعت و هیچ مشکل پایدار دیگری نبود. حتی نیروهای ارتش که از سوریه فراخوانده شده بود، در فاصله‌ی بسیار کوتاهی دوباره به همان مواضع اعزام شدند. چه شد که کنترل بحران چنین مقتدرانه صورت گرفت؟

همه چیز سریع روی داد اما اردوغان شتابنده‌تر از رخدادهای پیش تاخت. او پس از رخدادهای ایستاد. آنان که به انتظار جای‌ماندگی و درماندگی اردوغان، دروازه‌ی سرزمین پیامدها را گشودند، با چهره‌ی پیروزمند و شگفت‌زده شدند. وی از رضایت مردم خبر داشت. بر عکس کشوری مثل آمریکا که وضع اقتصادی مردم، در چند دهه‌ی گذشته بدتر شده است و نامزدهای انتخابات با شعار نجات روی صحنه می‌آیند، اردوغان پیروزمندانه بر صحنه حاضر شد و مردم را فراخواند. گرچه دست‌کم نیمی از کشور مخالف وی بودند اما بهبود اقتصادی زندگی خود را نمی‌توانستند ناپدید بکنند و از قدرت نظامیان نیز دل خوشی نداشتند. بنابراین، آنچه مردم را به صحنه کشاند و شکست واقعی کودتا را رقم زد، احساس بهبود نسبی در زندگی مردم بود و فراخواندن این احساس در زمان لازم. او مردم را در خیابان‌ها نگه داشت. چیزی که با حکومت نظامی سازگار نیست.

بنابراین، وضعیت فوق‌العاده‌ی اردوغانی، حکومت نظامی نبود. مهم‌تر آن که وی، با رایگان نمودن نان، حمل و نقل عمومی، در نظر گرفتن پاداش‌های ویژه و امتیازات اداری برای کارکنان، اجازه دادن به سخنرانی نمایندگان احزاب و حتی منتقدان، جهت‌دهی مردم با هنرمندان و مشاهیر کشور برای ایجاد دوره‌ی‌های شاد در خیابان، تبدیل وضعیت فوق‌العاده به همایشی ملی و ملی‌گرایانه، سخن از جانشینی دموکراسی به جای ملیتاریزم و صدای مردم به جای صدای اسلحه و مواردی مانند این، وضعیت فوق‌العاده را به کارنوال شاد احساسات ملی تبدیل نمود. آنچه به شدت در این مدل خلاقانه از کنترل بحران اهمیت داد، تبدیل نکردن فضای امنیتی نظامی و اطلاعاتی به ناامنی عمومی است. کارنوالی شدن وضعیت فوق‌العاده سبب شد فضای اقتصادی دستخوش کمترین تغییر شود. هیجان هواداران وی با فداکاری و انگیزه‌ی مثبت فعالیت، خودمردگی معمول ناشی از وضعیت فوق‌العاده را جبران کرد. ترکیه موفق شد فرصت ملی‌گرایی را از دل تهدید فضای امنیتی بیرون بکشد. فضای روانی جامعه، امن نگه داشته شد، صنایع یک روز هم تعطیل نشدند و مشکلی چندان جدی پیش نیامد. اگر این وضع را با تمام بحران‌ها از سال ۲۰۰۹ تا کنون در تمام کشورهای منطقه مقایسه کنیم، این اندیشه و برنامه‌ریزی فوری اقتصادمحور را تحسین خواهیم کرد که اینچنین بحران سیاسی، نظامی و امنیتی را از آسیب‌زدن به فضای اقتصادی و زندگی روزمره‌ی مردم دور نگه داشت.

آنچه رسانه‌ها بسیار بر آن تأکید کردند، دستگیری هزاران نفر از سربازان، صدها نفر از قضات و بسیاری از افسار دیگر بود. مسأله اما آن است که در فاصله‌ی کوتاهی، بسیاری از آنان آزاد شدند. اردوغان اعلام کرد کسانی که علیه دولت و شخص وی اقدام زبانی و نه عملی داشته‌اند بدون تشکیل پرونده باید آزاد شوند. به تمام آسیب‌دیدگان ماجرا، غرامت و حقوق ماهیانه و امتیازاتی دیگر داده خواهد شد. به سرعت، نمادهای شهادت از مدافعان دموکراسی مقابل کودتای نظامی ساخته شد. به طور کلی، جراحی مورد نظر اردوغان با پنبه و نه تیغ انجام شد.

همچنین، دولت حاکم در ترکیه فضای پدید آمده را که می‌توانست بر مشکلات خصمانه بین ترکیه و دیگر کشورها بیفزاید با دست گذاشتن روی حساسیت موازنه‌ی قوای بین دولت‌ها کنترل کرد. باز هم به دلیل سیاست‌گذاری واقع‌گرا و اقتصادمحور به جای ایدئولوژی‌گرایی، ترکیه توانست اشتباهات پیشین خود را نیز تا حدی جبران کند و تهدید پیامدهای کودتا در سطح دولتی را نیز به فرصت آشتی و استحکام روابط تبدیل کند. برای نمونه، نخست با بستن پایگاه اینجریلیک که تسلیحات نظامی و اتمی در آن مستقر است، آمریکا را تحت فشار گذاشت و بدترین اتهامات را متوجه آمریکا ساخت که البته می‌دانست امریکایی‌ها به خاطر خطر لغزیدن ترکیه سمت روسیه، مدار را می‌کنند و چنین هم شد. در مورد درخواست عضویت در اتحادیه‌ی اروپا که مدت‌هاست به دلایلی رد می‌شود، نظر منفی

بیان کرد و نشان داد که چرخشی به سمت شرق از غرب خواهد داشت. هدف البته تنها ایجاد بهت و سکوت در مقامات اروپایی اروپا حین کنترل بحران بود. نیروهای خود را از حلب بیرون کشید تا به ایران و روسیه پیام مثبتی منتقل کرده باشد. از روسیه آشکارا برای هدف قرار دادن هواپیمای جنگی، عذرخواهی کرد. البته پس از بحران، به سرعت به سمت عادی‌سازی وضعیت اینجریلیک، ارسال پیام مثبت برای آمریکا و اسرائیل و پیگیری عضویت در اتحادیه‌ی اروپا بازگشت. نیروهای خود را با مواضع قبلی در سوریه بازگرداند و همه چیز به روز اول برگشت.

گرچه این‌ها تنها اشاره‌ای گذرا بر اقدامات انجام شده‌ی اردوغان بود و می‌توان به صورت موردی و ریز در مورد این‌ها و بیش از این‌ها سخن گفت، زمان نتیجه‌گیری فرا رسیده است و در این نگاه کلی، پافشاری بیش از این بر بازگویی شواهد و روابط، موجب پرگویی است. در تحلیل نهایی می‌توان گفت اردوغان در شولای امپراتور دوباره پدیدار شده است و بدین ترتیب گرچه فتح‌الله گولن و جمهوری اسلامی ایران به شدت مخالف یکدیگر باشند و اولی از اسلام آناتولی و دومی از اسلام انقلابی سخن بگوید و هر دو یکدیگر را منحرف بخوانند، اینک در یک چیز مشترک هستند و آن، اوج گرفتن غرورآمیز دوباره‌ی رؤیای امپراتوری عثمانی و احتمال قمار دوباره‌ی اردوغان با کارت گروه‌های تکفیری است. همه‌ی کسانی که می‌اندیشیدند اردوغان با رؤیای بازآفریدن امپراتوری به ته دره سقوط خواهد کرد، اینک با دیدن اردوغان بالن‌سوار، کلاه از سرشان افتاده است.

بنابراین، گرچه در این نوشتار بر فنون نرم اردوغان در کنترل بحران گفتیم و جنبه‌های منفی را پررنگ نکردیم، به هیچ وجه به این دلیل نیست که بر درستی اهداف اردوغان گواهی داده باشیم. او ابزار مناسبی را در جهت اهدافی نامناسب به کار گرفته است و اینک این شمشیر، در آینده‌ی منطقه، حضوری آبدیده‌تر خواهد داشت. گرچه ممکن است او با درس‌آموزی از پیامدهای مرگ‌بار به‌بازی گرفتن حضور تکفیری‌ها و معاهده با دوستان غیرقابل‌اعتماد در سختی، خردمندانه‌تر وارد تصمیم‌گیری‌ها در منطقه شود اما با هوادارانی که خیابان‌ها را اشغال کردند و خواستار کشتار مخالفان وی شدند و قوانین اعدامی که بازنشاندند شدند، رؤیای امپراتوری او سهمگین‌تر شده است. انتظار سهم‌خواهی‌های بیشتر ترکیه در آینده‌ی معادلات منطقه‌ای، دور از ذهن نخواهد بود.